



پیشگیری از جرایم خونین یقه سرخ‌ها

دکتر شهرداد دارابی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۶

چکیده

یقه سرخ‌ها طیفی از مجرمین یقه سفید هستند که ضمن برخورداری از ظرفیت جنایی و توانایی تطبیق‌پذیری اجتماعی بالا، واجد اختلال‌های روانی از قبیل خودشیفتگی و شخصیت ضداجتماعی هستند؛ ایشان اگرچه در ابتدا، مرتکب جرایم مالی و اقتصادی می‌شوند، اما از آنجا که در ادامه با خطر کشف و افشای جرایم خویش توسط نزدیکان، شرکای تجاری و کارمندان مواجه می‌شوند، دست به جرایم خونین می‌زنند و نسبت به حذف فیزیکی آنها اقدام می‌نمایند. بنابراین، موضوع جرایم آنان تمامیت جسمانی و جان افراد است که صیانت از این مهم در اولویت جرم‌شناسی پیشگیری قرار می‌گیرد. مطالعات مبتنی کارآمدی راهبرد پیشگیرانه‌ی مرتکب مدار نسبت به بزه‌کاران بالقوه‌ی یقه سرخ و اتخاذ راهبرد پیشگیرانه‌ی بزه دیده مدار نسبت به افراد بی‌گناهی است که در معرض قتل عمد قرار می‌گیرند. در این نوشتار، سعی شده است گونه‌های پیشگیری از جرایم خونین یقه سرخ‌ها تبیین شود.

واژگان کلیدی: بزه‌کاران یقه سرخ، اختلالات روانی، قتل عمد، پیشگیری مرتکب مدار، پیشگیری

بزه‌دیده‌مدار

✉ shahrdad.darabi@yahoo.com

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

مقدمه

پدیده جرم به انحاء مختلف همزاد و همراه بشر بوده است. این مهم، به عنوان واقعیتی تلخ همیشه سلامت و امنیت روانی جامعه را تهدید کرده است، به گونه‌ای که در کنار سایر مسائل اجتماعی، به عنوان یکی از عوامل گسترش احساس ناامنی مردم در هر جامعه محسوب می‌شود. بر این اساس، اهمیت پاسخ‌های کنشی در بستر جرم‌شناسی پیشگیری و در قلمرو سیاست جنایی بیش از پیش نمایان شده است.

مطالعات اولیه جرم‌شناسان به‌طور کلی، با این فرضیه انجام شد که جرم حاصل فقر اقتصادی، فرهنگی یا اختلالات زیستی - روانی است و مجرمان با انسان‌های هم‌نوا با قانون تفاوت دارند و در این میان فقر عامل اجتماعی تعیین کننده در ارتکاب جرم است؛ بنابراین اشخاص دارا، توانمند و صاحب قدرت مرتکب جرم نمی‌شوند، بلکه در واقع قربانیان اصلی بزهکارانند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۱) فرضیه‌ای که بعدها با طرح جرم‌شناسی معکوس^۱ از جانب ادوین ساترلند رنگ باخت و توجه کارگزاران نظام عدالت کیفری را به صاحبان جرم، منصب و مشاغل معطوف ساخت.

براین ابتدا، طبقات فرودست جامعه که تا پیش‌تر به‌عنوان بزهکار اصلی قلمداد می‌شدند در قالب بزه‌دیدگان قرار گرفتند و قشری از طبقه فرادست، متمول، متشخص و صاحب نفوذ و قدرت - به ظاهر بزه‌دیدگان سابق - مجرمان اصلی یا مجرمان یقه سفید نام گرفتند (Karlsson, 2014: 26). بنابراین، ساترلند رویکردهای سنتی در حوزه جرم‌شناسی را که بر فقر، نابسامانی خانواده‌های مجرمان، پایین بودن سطح تحصیلات و عدم جامعه‌پذیری آن‌ها تأکید می‌نمود به حاشیه راند و کانون توجهات مطالعات جرم‌شناختی را از جرایم خیابانی متداول به جرایم آپارتمانی و یقه سفیدها معطوف نمود. بدون تردید، در میان بزهکارانی که متصف به مجرمین یقه سفید، یقه آبی، یقه سبز، یقه صورتی^۲ و ... شده‌اند، همواره جرایم یقه سفیدها به دلیل گستردگی آسیب‌های اقتصادی - اجتماعی آنها در جامعه از اهمیت بیشتری در مطالعات جرم‌شناختی برخوردار بوده است.

جرایم یقه سفیدی مبتنی بر نیرنگ و فریب هستند؛ مرتکبان این جرایم با برخورداری از خصیصه‌هایی همچون بهره‌هوشی بالا، موقعیت سنجی و توان تطبیق‌پذیری با محیط کاری می‌توانند اقدامات فریبکارانه خود را با زیرکی در مدت مدیدی پنهان نمایند، لذا گستره ماهیت زیان

1. Reversed Criminology

۲. مجرمین یقه سبز را به دلیل ارتکاب جرایم علیه محیط زیست و بزهکاران یقه صورتی را به دلیل ارتکاب جرایم یقه سفیدی توسط زنان، نام‌گذاری نموده‌اند. (www.Pink Collar Crime.Com)

بار رفتارهای آن‌ها و آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از جرایم ایشان به مراتب وسیع‌تر از دیگر بزهکاران است.

در واقع، ساترلند با حقیقت‌نمایی فصل جدیدی را به روی تحقیقات جرم‌شناختی گشود و موجب شد حجم واقعی خسارات ناشی از جرایم یقه سفیدها مکشوف شود، اما تا سال‌های اخیر هیچ‌گاه قلمرو واقعی این طیف از بزهکاران نمایان نشد و همواره بر ارتکاب جرایم عاری از خشونت یقه سفیدها تأکید می‌شد. به هر رو، گفتمان اخیر در حوزه جرم‌شناسی، شاهد پیدایش طیف جدیدی از بزهکاران با نام مجرمان یقه سرخ^۱ بوده است (دارابی، ۱۳۹۷: ۴). یقه سرخ‌ها معمولاً به دنبال وجود رابطه پیشینی با مقتول^۲ و شکل‌گیری تعارض طرفینی به وجود می‌آیند، پدیده‌ای که توازن جرایم خشونت‌آمیز و کلسیمی^۳، توسط بزهکاران یقه آبی را به نفع برخی از بزهکاران یقه سفید که از آن‌ها با عنوان بزهکاران یقه سرخ نام برده می‌شود، برهم زده است، آنان در راستای جلوگیری از کشف و افشای ماهیت رفتارهای مجرمانه و متقلبانه خود به خشونت متوسل شده و با حسابگری، خطر ناشی از اطرافیان خود را با قتل آن‌ها مهار می‌کنند.

در سال ۲۰۰۵، فرانک پری استاد دانشگاه شیکاگو در فرایند رسیدگی به یک پرونده کیفری که متهم، به قتل عمد شریک تجاری خود محکوم شده بود، شرکت کرد. در طول تحقیقات مربوط به قتل مشخص شد که انگیزه‌ی قاتل، جلوگیری از کشف و افشای جرایم متقلبانه‌ای بوده است که شریک متوفی در کسب و کار تجاری خویش انجام می‌داده است. متهم در فرصت مناسب با وارد آوردن ضربات متعدد چکش به سر مقتول، او را به قتل رسانده بود. این موضوع سرآغاز عنوان سازی جدیدی برای این طیف از بزهکاران با نام مجرمین یقه سرخ شد.

برای نمونه^۴، جنین ساتفن^۱ همسر رابرت پتریک^۲ از اقدامات مزورانه همسرش همچون جعل اسناد، کلاهبرداری و پولشویی آگاه شد. به دنبال این مهم، وی در راستای جلوگیری از افشای

1. Red Collar Criminals

۲. از آنجا که هرگونه اقدامی اعم از ضرب، جرح یا تهدید فرد مطلع از جرایم بزهکار یقه سفید، مانع از افشاسازی و اطلاع رسانی او نمی‌شود، لذا صرفاً قتل و حذف فیزیکی اوست که وی را برای همیشه خاموش نموده و بزهکار یقه سرخ را از خطر آشکار شدن جرایم متقلبانه‌اش توسط مقتول مطمئن می‌سازد.

۳. برخلاف مجرمین یقه سفید که به دلیل استفاده از قدرت تعقل، بهره هوشی و قوای مغزی به بزهکاران فسفری مشهورند، بزهکاران یقه آبی به دلیل استفاده از توان فیزیکی و قدرت ماهیچه‌ای به بزهکاران کلسیمی مشهورند؛ بنابراین، در دسته‌ی اول فسفر مغز و در دسته‌ی دوم کلسیم عضلات وجه تسمیه‌ی جرایم ایشان قرار گرفته است.

۴. از آنجا که تلاش می‌شود با تأسی از روش توصیفی - تحلیلی به تبیین گستره‌ی جرایم بزهکاران یقه سرخ اشاره شود، لذا طرح پرونده‌های مربوط به این طیف از مجرمان ضروری می‌نماید. با این حال روشن است که به دلیل پیدایش عنوان بزهکاران یقه سرخ در کشور آمریکا و انطباق پرونده‌های مطروحه با این قسم از مجرمان از یک سو و عدم تبیین مفاهیم مربوط به جرایم یقه سرخ در ایران، اکثر پرونده‌های مطروحه مربوط به حقوق خارجی است.



اقدامات مجرمانه‌اش همسر خود را به قتل رسانید. با کاوش‌های صورت گرفته جسد جنین ساتفن در یک کیسه خواب برزنتی در حالی که داخل پتو پیچیده شده بود و دور آن با زنجیر بسته شده بود، پس از کاهش سطح آب در رودخانه نزدیک منزل آن‌ها پیدا شد (perri, 2016: 67) در این پرونده پتریک به‌عنوان بزهکار یقه سرخ بعد از احساس خطر ناشی از اطلاع همسرش از جرایم یقه سفیدی وی، در حالی که شیوه‌های مختلف قتل را نیز در فرصت مقتضی بررسی و مرور کرده است، با توسل به ابزار خشونت، سعی در برون رفت از معضل فراروی خود داشته است.

در پرونده‌ای دیگر اروین مارگولیز^۳ به دلیل قتل حسابرس شرکتش خانم مارگارت باربارا^۴ و همکارش جنی چین^۵ مجرم شناخته شد؛ مارگارت باربارا دریافته بود که اروین با ایجاد فاکتورهای جعلی و از طریق مانورهای متقلبانه به پولشویی گسترده در خارج از کشور مشغول است. ایشان ابراز داشته بودند که علیه مارگولیز در تحقیقات قضایی شهادت خواهد داد (Ibid, 74) در حالی که اروین جهت خاموش کردن شهود و جلوگیری از برملا شدن جعل، پولشویی و دیگر جرایم نسبت به طراحی نقشه قتل آن‌ها و اجرای آن توسط قاتل اجیر شده اقدام نمود.^۶

به نظر می‌رسد ارتکاب قتل توسط یقه سرخ‌ها با قتل فایده‌گرایانه^۷ قرابت داشته باشد؛ قتل مبتنی بر فایده مستلزم آن است که فرد مجرم در وضعیتی خاص یا خطرناک قرار داشته باشد و

1. Janine Sutphen
2. Robert Petrick
3. Irwin Margolies
4. Margaret Barbera
- 5 Jenny Chain

۶. طرح شکایت ۱۴ تن از شهروندان یزدی در بهمن ماه سال ۹۵ مبنی بر برداشت غیر مجاز از حساب بانکی آنها زمینه ساز کشف پرونده پیچیده و راز یک قتل شد. در بررسی‌های مسئولان امر مشخص شد سه نفر که ساکن استان‌های همجوار استان یزد هستند، اقدام به اجاره مغازه‌ای به منظور فروش میوه کرده‌اند که در واقع این حرکت پوششی برای اسکیم (کپی‌برداری از کارت عابربانک) است. در بازه زمانی اجاره‌ی مغازه ۱۰۰ میلیون تومان از حساب بانکی ۱۴ تن از شهروندان برداشت شد... پس از ورود افسران فضای تولید و تبادل اطلاعات نیروی انتظامی به پرونده و ادامه تحقیقات مشخص شد که نامبردگان با استفاده از اسناد جعلی و کلاهبرداری باغ ۶ هزار متری در تهران را به ارزش دو میلیارد و هشتصد میلیون تومان به فروش رسانیده‌اند و این پول مستقیماً به حساب خانمی واریز شده که وی نیز سریعاً این پول را با خرید دلار و طلا به صورت کامل خرج کرده است... در این میان پس از کشف رابطه‌ی پنهانی یکی از متهمان با زنی چهل ساله، مشخص شد که وی آنها را تهدید به افشاسازی نموده است، لذا برای خاموش کردن وی ضمن قتل او در منزلش، خودروی وی را نیز در گوشه‌ی دیگری از شهر به آتش کشیدند... WWW.Cyberpolice.ir

96/4/26 - در این پرونده از آنجا که بزهکاران با توسل به مانورهای متقلبانه نسبت به برداشت وجوه نقد از حساب‌های مشتریان اقدام می‌نمودند، تحت لوای بزهکاران یقه سفید قرار می‌گیرند و در ادامه با قتل فردی که بیم افشاسازی وی می‌رفته است، تبدیل به بزهکار یقه سرخ شده‌اند.

7. Utilitarian Homicide

نتواند به جز از طریق ارتکاب جرم، از آن وضعیت رهایی یابد، مانند حذف فیزیکی یک فرد مزاحم، که این خود یک عمل آزاد کننده است (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۵: ۲۸۳) بزهکار یقه-سرخ نیز با وجود اختلال‌های روانی نامؤثر در تصمیم‌گیری، قتل را بهترین راهکار منحصر به فرد برای استمرار جرایم و خلاصی از خطر افراد مطلع می‌داند.

قتل‌های ناشی از کشف جرایم متقلبانه بزهکاران یقه سفید که در راستای جلوگیری از افشای اقدامات مجرمانه آن‌ها، تحت پوشش موقعیت‌های بالای اجتماعی یا اقتصادی صورت می‌پذیرد، نیمه پنهانی از دیگر جرایم بزهکاران یقه سفید را آشکار ساخته است؛ بدیهی است، بزهکاری ایشان تابعی از الگوی اقتصادی است که در بستر نظام اقتصادی هر کشوری بروز می‌نماید، اما توالی فاسد مترتب بر این مهم که گاهی منجر به سلب عمدی حیات از دیگران از یک سو و سوء برداشت‌های حاکم بر این طیف از مجرمین که منتج به عدم درک صحیح از میزان خشونت یقه سرخ‌ها ایشان در ادوار گذشته شده است، از سوی دیگر تعارضاتی را در این میان به وجود آورده است؛ آن‌چنان که با طرح مجرمان یقه سفید صرفاً ارتکاب جرایم متقلبانه به ذهن متبادر می‌شود و تصور ارتکاب قتل توسط آن‌ها تصدیق نمی‌شد.

بنابراین، گرایش‌های خشونت‌آمیز طیفی از مجرمین یقه سفید - یقه سرخ‌ها - مطمح نظر قرار گرفته است؛ مجرمینی که واجد اختلالات روانی از قبیل خودشیفتگی و شخصیت ضداجتماعی هستند و با مدیریت هوشمندانه‌ی احساسات خویش و تلاش پنهان در راستای حفظ منافع مادی و اعتبار متقلبانه خود در منظر عموم، هیچ مانعی را بر نمی‌تابند و واکنش خود را در قالب قتل، نسبت به افراد بی‌گناه اجرا می‌نمایند. روشن است با توجه به قدرت ذهنی این طیف از مجرمین روش‌های پیشگیری از جرایم خشونت‌آمیز آن‌ها با جرایم خشن یقه آبی‌ها که از ظرفیت جنایی و توانایی تطبیق‌پذیری پایین‌تری برخوردارند، متفاوت است.

به هر رو، از آنجا که سهمگین‌ترین وجه جرایم علیه تمامیت جسمانی، قتل عمد است، صیانت از جان انسان‌ها و پیشگیری از جرایم خونین یقه سرخ‌ها که از لحاظ تأثیر فراگیرتر است، از اهمیت بسزایی در جرم‌شناسی پیشگیری برخوردار است. مطالعه و تحلیل گونه‌های مؤثر پیشگیری از جرایم خونین بزهکاران یقه سرخ، با امعان نظر به ویژگی‌های روانشناختی آن‌ها موضوع نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد. پرسش اساسی آن است که راهبرد مؤثر پیشگیری از ارتکاب قتل عمد توسط یقه سرخ‌ها چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، در گفتار اول پیشگیری مرتکب مدار از جرایم

خونین^۱ یقه سرخ‌ها و در گفتار دوم پیشگیری بزه‌دیده مدار از جرایم خونین یقه سرخ‌ها بررسی خواهد شد.

گفتار اول: پیشگیری مرتکب‌مدار از جرایم خونین یقه سرخ‌ها

بدون تردید شیوه‌های پیشگیری براساس گستره موضوعی جرایم و اهداف متولیان سیاست جنایی متفاوت است، آن‌چنان که برخی از گونه‌های پیشگیری متوجه بزهکاران بالقوه و برخی ناظر به بزه‌دیدگان بالقوه است.

پیشگیری از بزهکاری، صرف‌نظر از اشکال مختلف آن، مقید به رعایت مبانی نظری، اصول علمی و به‌ویژه معیارهای حقوقی، با توجه به نوع جرم، گونه‌ی بزهکاران، شیوه‌های ارتکاب جرم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۵۶۷) از آن‌جا که بزهکار یقه سرخ در تکمیل فرایند ارتکاب جرایم مرتبط با حرفه خود، مرتکب جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد/ جرایم خونین می‌شود، متصف به این عنوان شده است؛ یقه سرخ‌ها از توان ذهنی برجسته، درایت و حسابگری برخوردار بوده که با محق پنداشتن خود در کنار دیگر متغیرهای روانی - رفتاری، همچون فرافکنی، عدم همدلی با دیگران، غرور و تحقیر افراد، از عوامل محرک لازم برای ارضاء انگیزه‌های یک فرد در ارتکاب جرایم متقلبانه و قتل عمد برخوردارند.

بنابراین، ارتکاب قتل توسط بزهکار یقه سرخ به‌عنوان ابزاری به منظور پیشگیری از کشف یا افشاسازی جرایم وی نزد مأموران یا مقامات دولتی قلمداد می‌شود؛ حمله خشونت‌آمیز او یا افرادی که از جانب وی برای قتل اجیر شده‌اند، به دلایلی غیر از تحریک آنی احساسات یا قرارگرفتن در موقعیت خاص هیجانی واقع می‌شود؛ به عبارت دیگر، خشونت، ابزاری برای پایان دادن به چالش فراروی بزهکار یقه سفید سابق و یقه سرخ لاحق، در جهت پیش بردن و استمرار مقاصد بزهکارانه خویش است (woodworthetal, 2002: 439)، آن‌چنان که زمانی برای آرام شدن، تفکر و برنامه‌ریزی وجود داشته است و ارتکاب قتل، متأثر از غلبان هیجانات و برانگیختگی احساسات ناشی از خشم، حسادت و... در وی نیست، بلکه با علم، آگاهی و معرفت به نقض تحریم‌های قانونی، به‌طور ارادی سلب حیات دیگری را برمی‌گزیند و تبدیل به بزهکار یقه سرخ می‌شود. این درحالی است که

۱. نظر به اینکه هدف غایی بزهکاران یقه سرخ، سلب حیات افراد مطلع از جرایم اقتصادی بزهکاران یقه سفید است، شیوه‌ی قتل ارتكابی توسط آنها معمولاً طریقت دارد؛ این مهم ممکن است گاهی به مباشرت یا معاونت بزهکار یقه سفید یا قتل ناشی از اکراه یک بزهکار یقه سفید نسبت به شریک خود و تبدیل وی به بزهکار یقه سرخ واقع شود. مع-الوصف از آنجا که در پرونده‌های مطروحه‌ی بزهکاران یقه سرخ همواره قتل‌های توأم با خشونت و خونریزی به چشم می‌خورد، لذا اِتصاف جرایم یقه سرخ‌ها به صفت خونین، به‌عنوان مصداق بارز قتل‌های ارتكابی آنها توجیه می‌شود.

خشونت ناشی از قتل و اکنشی، پاسخی به موقعیت آنی حادث شده است که بدون سبق تصمیم، برنامه‌ریزی و تمهیدات لازم صورت می‌پذیرد.

حسابگری یقه سرخ‌ها به معنای آن است که راهبرد پیشگیری از جرایم خونین آن‌ها نافعی پیشگیری کیفری نیست؛ زیرا، سنجش مضار و منافع جرایم ارتكابی در منظر ایشان، وجود عنوان مجرمانه خاص و اعمال مجازات‌های توانگیر- حتی در صورت گذشت اولیاء دم - می‌تواند موجب شود که یقه سفیدها^۱ هزینه ارتكاب جرم خود را در پرتو اصل حسابگری کیفری محاسبه کنند و از جرایم مرتبط با حرفه خود فراتر نروند.

به هر رو، انگیزه کسب قدرت، تسلط و کنترل نسبت به دیگران [حتی با قتل آن‌ها]، برای یقه سرخ‌ها لذت‌بخش است (perri, 2016: 70) و با برهم زدن معادله جرم از رهگذر تدابیر پیشگیرانه کیفری، اجرای ضمانت اجراهای کیفری یا تهدید به اجرای آن نیز می‌توان در کاهش و یا ازبین بردن این انگیزه گام برداشت.

بر این اساس، کیفیت قوانین کیفری که به افراد پیشاپیش اجازه دهد که در صورت ارتكاب جرم چه مجازات‌هایی اعم از اصلی، تکمیلی، تبعی و چه سرنوشت کیفری در انتظار آن‌ها است، امری ضروری است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۴) در این راستا، حساس‌سازی حقوق کیفری با تخصیص عنوان مجرمانه مستقل، تشدید مجازات و اتخاذ رویکرد افتراقی در حوزه تقنین، علاوه بر ایجاد حس اعتماد به نظام عدالت کیفری، می‌تواند نقش بازدارنده داشته باشد^۲؛ اگرچه، براساس قواعد عمومی حاکم بر قتل عمد در کشورها، مجازات قصاص، اعدام یا حبس ابد برای قاتل پیش-بینی شده است، اما جرم‌انگاری و کیفرگذاری مستقل رفتارهای مجرمانه افرادی که در راستای پنهان‌سازی جرایم یقه سفیدی مرتکب شروع به قتل یا قتل عمد می‌شوند، می‌تواند در انصراف یقه سرخ‌ها نقش بسزایی داشته باشد.^۳

۱. افزایش فزاینده‌ی جرایم یقه سفیدی و ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در پیشگیری از این جرایم، توسل به راهبردهای متمرکز بر پیشگیری مرتکب مدار را جهت کنترل جرایم آنها و کاهش فساد اداری و اقتصادی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد؛ بدون تردید "نظارت" بر این طیف از مجرمین یا افرادی که خطر گرایش به ارتكاب جرایم یقه سفیدی را دارند، می‌تواند منجر به کشف جرم و ماهیت واقعی اقدامات غیرقانونی ایشان شود، مؤلفه‌ای که از ارتكاب جرایم یقه سرخ نیز می‌کاهد.

۲. بدین ترتیب، حذف بزهکاران خطرناک برای امنیت جامعه و بخش بزرگتر جمعیت آن توجیه می‌شود (رضوانی، ۱۳۹۱: ۷۱).

۳. برای مثال، اگر در جرمی مثل محاربه، محارب مرتکب قتل عمد شده باشد و اولیا دم نسبت به وی اعلام گذشت نمایند، قاضی می‌تواند از باب اعمال مجازات حدی وی را اعدام نماید. بنابراین، با کیفرگذاری مستقل و گذشت اولیا دم نسبت به قتل ارتكابی توسط بزهکار یقه سرخ، اعمال مجازات توانگیر متعاقب منتفی نخواهد بود.



در ماده ۱۹ طرح مبارزه با جرایم اقتصادی - پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی - سال ۱۳۹۴ تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی بزه‌دیدگان، گزارش دهندگان، شهود یا مطلعان یا خانواده هریک از آنها کیفرگذاری شده است. بدین ترتیب، توسل کمینه‌ای حقوق کیفری به کیفرانگاری حمایتی، لحاظ کیفیات مشدده توأم با کیفر اصلی مجرمان یقه سرخ و عدم لزوم اعلام جرم از سوی قربانیان یا خانواده‌ی آنها می‌تواند متضمن تأمین اهداف پیشگیرانه برای این طیف از بزهکاران بوده و عنصری بازدارنده در این میان باشد، همان‌گونه که جرم‌انگاری و تشدید مجازات متجاوزان جنسی که به صورت گروهی مرتکب جرم می‌شوند می‌تواند در کنار تجاوز جنسی انفرادی در قوانین جزایی کشورها واجد آثار بازدارندگی عام و خاص باشد.

در ادامه پیشگیری مرتکب مدار از جرایم خونین یقه سرخ‌ها با تأکید بر مداخله‌ی زود هنگام روانشناختی و درمان خودشیفتگی^۱ یقه سرخ‌ها بررسی می‌شود.

بند اول: مداخله زود هنگام روانشناختی و درمان خودشیفتگی بزهکار بالقوه یقه سرخ

بزهکاری، فرایند پیچیده‌ای است که منبعث از عوامل فردی و محیطی است. انسان‌ها از خصایص و گرایش‌های متفاوتی برخوردارند که وجود صفت واحد، مبین بروز رفتار مجرمانه در فرد نیست، اما برخی ویژگی‌های شخصیتی در افراد می‌تواند پیش آگهی رفتارهای مجرمانه وی در آینده باشد. مجموعه پاسخ‌های فرد ناشی از شناخت یا فرایند تفکر و شخصیت اوست، از آنجا که اختلال در این سیر منجر به خطاهای شناختی و در نهایت رفتار نابهنجار می‌شود، اصلاح و بازسازی نگرش و شخصیت فرد به همراه توانمندسازی ایشان برای برقراری روابط طبیعی انسانی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

رفتار و آداب اکتسابی فرد از تولد تا بزرگسالی می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب اعمال مجرمانه شود (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۷۳) و فضایل یا ردایلی اخلاقی را در شخصیت فرد نهادینه نماید. بدون در نظر داشتن زوایای مختلف شخصیت انسان و فرایند شکل‌گیری رفتار او درک صحیحی از پیشگیری علمی و مؤثر از جرایم یقه سرخ‌ها میسر نخواهد شد.

مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس و تقویت عوامل حمایتی، بی‌شک نقش بسزایی در پیشگیری از عوامل خطر احتمالی دارد^۲ (کاری‌یو، ۱۳۸۱: ۲۹۳) اما باید اذعان داشت که یقه سرخ‌ها افراد بزرگسالی هستند که ساختار شخصیت آنها نسبتاً تثبیت یافته و اکنون در جایگاه و موقعیت‌های

1. Narcissism

۲. همان‌گونه که از دوران طفولیت، اجرای طرح واکسیناسیون فراگیر به صورت تدابیر اجباری در راستای پیشگیری از شیوع و گسترش بیماری‌ها و ارتقاء سلامت جسمانی افراد اجرا می‌شود، انجام طرح‌های ارتقاء سلامت روان در پرتو آموزه‌های روانشناختی و گونه‌ی پیشگیری رشد مدار، جهت درمان اختلال‌های روانی افراد قابل توجه است.

کاری مناسبی قرار گرفته‌اند که زمان لازم برای مداخلات بهنگام روانشناختی در سیر تکوین شخصیت ایشان در دوران کودکی - اگرچه این مهم در پرتو آموزه‌های پیشگیری رشد مدار از اهمیت والا‌یی برخوردار است - از دست رفته است، بنابراین، صرفاً می‌توان با تشخیص به موقع اختلالات روانی نسبت به تدابیر درمان شناختی - رفتاری دوران بزرگسالی در ایشان امیدوار بود. از آنجا که یقه سرخ‌ها به اختلال‌های روانی دچارند، واجد صفات شخصیتی ناسازگار و انعطاف ناپذیری هستند که در برابر هرگونه تحولی مقاومت می‌کنند.

از منظر جرم‌شناسان بین ارتکاب جرایم، اعمال خشونت‌آمیز و اختلال‌های روانی رابطه معنادار وجود دارد. شواهد تجربی نیز مؤید ارتباط خودشیفتگی و توسل به احساسات برتری جویانه، خشم، غضب و پرخاشگری است (Miller & Reidy, 2008: 145). یقه سرخ‌ها دارای ویژگی‌های روان شناختی منحصر به فردی هستند که اگرچه در ظاهر، انسان‌هایی وجیه و قانون مدار به نظر می‌رسند، اما در واقع بزهکاران پنهانی هستند که خود را معیار غایی قضاوت می‌دانند و همواره مترصد ارتکاب رفتار مجرمانه خویش با توسل به خشونت و قتل برای اهداف سود جویانه خود هستند.

خودشیفتگی، اختلالی است که به گرایش‌های نیاز به تحسین و تأیید در فرد منجر شده و با تکبر، خودبزرگ‌بینی و برتری‌جویی همراه است (Ogrodniczuk, 2013: 26). بزهکاران یقه سفیدی که با تکیه بر خودانگاشت‌های درونی و استنباط افراطی از استحقاق خویش به دنبال کسب منافع غیرمشروع مادی و اعتباری هستند، بر موانع درونی و ترس ناشی از مجازات متعاقب رفتار مجرمانه فائق می‌آیند و برای جلوگیری از ناکامی در به سرانجام رسانیدن اقدامات مزورانه خویش^۱، مرزهای بزهکاری یقه سفیدی را تا بزهکار یقه سرخی می‌پیمایند (Bucy et al, 2008: 417).^۲ برای درمان این اختلال در افرادی که شرایط تبدیل شدن به یک مجرم یقه سرخ را دارند، باید غربالگری روانی، تشخیص‌های افتراقی و بهره‌مندی از آزمون‌های روان‌سنجی و شخصیت‌شناسی اولویت یابد و جامعه‌ی

۱. بنابراین اگرچه در جرایم مزورانه جنبه ذهنی بر جنبه مادی مرجح است، اما با ارتکاب قتل توسط مجرم یقه سفید و تبدیل وی به بزهکار یقه سرخ این موازنه بر هم می‌خورد.

۲. برای نمونه در پرونده‌ی فردریک توکارس (Fredric Tokars)، دادستان وی را به طراحی و معاونت در قتل عمد همسرش محکوم کرد؛ همسر وی سارا توکارس پس از آنکه به مدارک پولشویی، فرار مالیاتی و مستندات تحصیل ثروت هنگفت و نامشروع همسرش دست پیدا کرد، به دست قاتل اجیر شده توسط فردریک به قتل رسید. فردریک با همکاری خویش، لورنس توافق نمود تا در ازای پرداخت مبلغ ۲۵ هزار دلار سارا را به قتل برساند، لورنس به فردریک متذکر شد که با قتل سارا دو پسر وی بی‌مادر می‌شوند و این برای آنها دردناک است، اما فردریک پاسخ داده بود که نه آنها بزرگ شده‌اند و همه چیز روبه راه است. لورنس نیز شخص ثالثی را برای این کار با مبلغ ۵ هزار دلار اجیر کرد. آنا ۲۰ هزار دلار را نیز خود تصاحب کند... بعدها درحالی که فردریک در زندان بود و معاینه و بررسی روانشناختی شده بود، روانپزشک اعلام داشت که با توجه به شرایط شخصیتی فردریک، وی تحت تأثیر اختلال خودشیفتگی شدید بوده است.

او هیچ‌گاه در خصوص جرایم ابراز پشیمانی و ندامت نکرد. WWW.MurderPedia.Org- 96/4/26



هدف این اقدامات اعم از مدیران و افرادی که در مناصب و موقعیت‌های ارتکاب جرایم اقتصادی و مالی متقلبانه قرار می‌گیرند، مطمح نظر قرار گیرند.

به دنبال آن باید با احراز این مهم که چه افرادی واجد خصیصه‌های روانی بزهکاران یقه سرخ هستند، نسبت به مشاوره تخصصی، روان‌درمانی، دارودرمانی و به‌کارگیری راهبردهای شناختی و رفتاری جهت کاهش خودمحوری یا خودبزرگ‌بینی و تقویت توانایی‌های آن‌ها جهت برقرار کردن رابطه متعارف با دیگران اقدام نمود؛ وانگهی جهت ارتقاء سلامت روانی بزهکاران یقه سرخ خودشیفته و مرتفع نمودن نوسانات خلقی آنها باید مساعی لازم را برای وجود بینش و آگاهی ایشان نسبت به خودبزرگ‌بینی وی با محوریت کنارگذاشتن تمایلات خودشیفتگی، غرور، حس بی‌اعتمادی، بدگمانی و جایگزینی این افکار و باورهای ناهنجار با افکار واقع‌بینانه در آن‌ها پیش‌بینی نمود، به نحوی که افراد از پذیرفتن شکست هراس نداشته باشند و در صورت کشف جرایم یقه سفیدی آن‌ها، به خیالات موهوم خود مبنی بر شکست ناپذیری وقعی نگذارند و با ارتکاب قتل، مسئولیت کیفری و مجازات خویش را افزایش ندهند.

راهبردی که مهم‌ترین دستاورد آن، پیشگیری از قتل عمد افرادی است که بزهکار یقه سفید آن‌ها را مانع تحقق اهداف مجرمانه مرتبط با شغل و جایگاه خود دانسته و نسبت به آن‌ها احساس خطر می‌کند. در ادامه، درمان شخصیت ضد اجتماعی یقه سرخ‌ها به‌عنوان یکی دیگر از خصیصه‌های روانی آنان بررسی می‌شود.

بند دوم: درمان شخصیت ضد اجتماعی یقه سرخ‌ها در پرتو آموزه‌های روانشناختی

جامعه‌ستیزی یا اختلال شخصیت ضد اجتماعی یکی دیگر از ویژگی‌های روانی بزهکاران یقه سرخ است که در تبدیل وی به فردی که به سادگی دروغ بگوید، با بی‌تفاوتی و بدون آن‌که احساس گناه و یا ندامتی داشته باشد، مرتکب قتل شود، نقش مؤثری ایفا می‌کند.

پژوهش‌ها بیانگر آن است که بازتاب شخصیت ضد اجتماعی و نهادینه شدن نگرش ماکیاولیستی، مبنی بر توجیه ابزار برای رسیدن به هدف، به معنای انکار آگاهانه حد اکثری و بی‌توجهی ایشان به ماهیت جرایم یقه سفیدی و تبعاً جرایم یقه سرخ خویش است (Ray, 2007: 50). یقه سفیدها از توانایی‌های شناختی و اجرایی مطلوبی برخوردارند و معمولاً با بهره‌مندی از هوش سرشار خود، بر شیوه‌های متقلبانه متمرکز می‌شوند و به خشونت و اقدامات تکانشی (ناگهانی) متوسل نمی‌شوند، اما باید اذعان داشت که برخی گونه‌های شخصیت، بیش از دیگران به کجروی گرایش دارند و بعضی

۱. تهدید زیردستان می‌تواند به‌عنوان یک پیش‌آگهی مناط اعتبار قرار گیرد؛ بر این ابتن با در نظر داشتن این قرائن، ارتکاب احتمالی جرایم خونین یقه سرخ در آتی برآورد می‌شود.

صفات شخصیتی پیش آگهی رفتار بزهکارانه است که می‌تواند در طراحی و اجرای تدابیر پیشگیرانه و مداخله گرایانه‌ی روانشناختی مفید واقع شود.

از منظر انجمن روانپزشکان امریکایی اختلال شخصیت ضداجتماعی یک شیوه‌ی پایدار تفکر، احساس و رفتار است که فرد را از دیگران متفاوت ساخته و رفتارهای وی را از انتظارات متعارف جامعه دور می‌سازد، این اختلال معمولاً از دوران نوجوانی آغاز می‌شود (www.psychiatry.org). مجرمان یقه سرخی که واجد شخصیت ضداجتماعی هستند، معمولاً ظاهری عادی داشته و از نظر اجتماعی موجه به نظر می‌رسند. بدین‌سان، در عین حالی که پیشینه‌ی یک مجرم یقه سفید باهوش را دارند، با انگیزه‌ی طمع، آزمندی و بدون احساس گناه، نسبت به قتل فردی که قصد افشای جرایم یقه سفیدی وی را دارد، اقدام می‌کنند.

شواهد مؤید تقارن گرایش‌های ضداجتماعی، خودشیفتگی و تفکر جنایی در بزهکاران یقه سفید است که منجر به هم‌افزایی شده و می‌تواند خطر توأم با خشونت را در آن‌ها تقویت نماید (Perri, 2012: 312) البته این خشونت می‌تواند در ظاهر به سکوت یا بی‌تفاوتی دروغین ایشان تبدیل شده و در ورای ظاهر آرام آنان، با رویکردی فرصت طلبانه و روش‌مند، قربانی خود را که به‌عنوان یک تهدید بالقوه محسوب می‌کنند، با یک حمله‌ی پیشگیرانه از پا درآورند.^۱

بدین ترتیب، اگرچه اختلال شخصیت ضداجتماعی در عدم تطبیق‌پذیری یقه سرخ‌ها با موازین اجتماعی و قانونی مؤثر است، اما به آن معنا نیست که فرد فاقد قدرت طراحی و برنامه‌ریزی برای قتل و یا واجد رفتار تکانشی یا ناگهانی صرف باشد؛ زیرا جرایم خونین یقه سرخ‌ها در امتداد جرایم یقه سفیدی سابق آن‌هاست و یقه سفیدها نیز آگاهانه، ضمن اذعان به ارزش‌های اجتماعی، با استعانت از روش‌های خنثی‌سازی، هنجارها را در منظر خویش بی‌اعتبار می‌سازند، با این وصف ضداجتماعی بودن یقه سرخ‌ها رضایت خاطر ایشان بدون ترس از آثار متعاقب جرایم خونین آنان را به‌دنبال دارد.

در اولین ساعات صبح ۱۵ نوامبر سال ۲۰۰۴، کریستوفر پارکو^۲ وارد منزل والدینش شد و با تبر، به طور وحشیانه‌ای پدرش پیتر پارکو^۳ و مادرش جوان پارکو^۴ را که در خواب بودند به قتل رسانید؛ این در حالی است که پیش از قتل، کریستوفر از طریق اقدامات متقلبانه و با استفاده از جعل هویت و با اطلاعات شخصی و مالیاتی والدینش و امی چند هزار دلاری گرفته بود؛ در نهایت والدینش او را با رفتار متقلبانه و مجرمانه‌اش مواجه نموده و او را تهدید کردند که پیش مقامات مربوطه رفته و او را تحویل می‌دهند، دو هفته پس از هشدار پدر به کریستوفر، وی برای خنثی کردن این تهدید برنامه‌

۱. برای بزهکاران یقه سرخ ضرورت چندانی احساس نمی‌شود که به توجیه و متقاعد سازی دیگران برای ارتکاب قتل‌ها اقدام نمایند (میرخلیلی و حسانی، ۱۳۹۶، ۲۳۳)

2. Christopher Parco
3. Peter Parco
4. Joan Parco



خود را با خونسردی اجرا کرد. داده‌های رفتاری کریستوفر و سوابق زندگی او مبتنی بر شخصیت ضد-اجتماعی، فریبکاری و جامعه ستیزی او بود. وی سابقه‌ی جعل در نمرات آزمون مدرسه و دروغ‌گویی به دوستانش در خصوص ارثیه هنگفت میلیونی از مادر بزرگش را نیز داشته است (OpCit, 71). روشن است پیگیری فرایند درمان اختلال شخصیت ضداجتماعی، کسب مهارت‌های کنترل خشم، دارو درمانی و حتی بستری پارکوک که زمینه تبدیل به بزهکار یقه سرخ را در گذشته داشته است، می‌توانست مثمر ثمر باشد.

بی‌تردید در پهنه پیشگیری فردمدار، درست تربیت شدن و شکل‌گیری مطلوب شخصیت افراد مورد توجه است (نیازپور، ۱۳۹۴: ۶۵)^۱ راهبردی که از انعقاد تفکر مجرمانه در اذهان یکایک افراد جامعه، اعم از دارندگان مشاغل آزاد یا دولتی جلوگیری می‌نماید. این امر در خصوص اصلاح شخصیت ضداجتماعی یقه سرخ‌ها مستلزم تمرکز بر برنامه‌های پیشگیری اجتماعی با رویکرد تربیتی - درمانی و پیش‌بینی تدابیر لازم با شرایط ناظر بر فرد و محیط اجتماعی است، لذا شناسایی افراد مبتلا یا مستعد شخصیت ضد اجتماعی به همراه آموزش اصلاح رفتار و مهارت‌های اجتماعی با بهره‌مندی از مراقبت‌های حداکثری خانواده، پزشک و ... می‌تواند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد.

در این میان، اخذ گواهی سلامت روان در بدو استخدام که توسط متخصصین امر تأیید می‌شود و حضور نوبه‌ای روانشناس در مؤسسات و بنگاه‌ها می‌تواند در شناسایی افراد واجد اختلال شخصیت ضداجتماعی، پیش‌بینی خشونت بالقوه‌ی بیماران و ارجاع ایشان به درمانگاه‌های شناخت رفتار در پیشگیری نسبی از جرایم یقه سرخ‌ها مؤثر باشد، همچنان که روان‌درمانی به‌عنوان یک روش مفید و کارآمد می‌تواند در درمان جامعه‌ستیزی یقه سرخ‌ها مؤثر بوده و به طور مؤثری از ارتکاب قتل توسط این طیف از مجرمین بکاهد.

عدم مداخله زودهنگام روانشناختی کارآمد ممکن است علاوه بر وقوع آسیب‌های اقتصادی شدید، جان و نفوس انسان‌های بی‌گناه را نیز به خطر اندازد. تشخیص به موقع عوامل خطرزا به مدد پژوهش‌های زمینه‌یاب دقیق و سریع و تحت کنترل درآوردن اختلال‌های روانی در افراد مستعد ارتکاب اعمال مجرمانه، در پیشگیری از قتل توسط یقه سرخ‌ها می‌تواند راهگشا باشد. مع‌الوصف باید اذعان

۱. الگوی خود نظارتی بیان‌گر رویکردی جایگزین جهت قانونمند کردن کارکنان است؛ بدین صورت که بر نقش ارزش-های اخلاقی کارکنان جهت ایجاد انگیزه برای قانونمندی و به طور خاص ارزش‌های مرتبط با سازمان محل خدمت آنان تأکید می‌کند (دانش ناری، ۱۳۹۵: ۶۲).

۲. پژوهش‌های زمینه‌یاب یک روش جمع‌آوری داده‌هاست که از یک گروه خاص از افراد خواسته می‌شود تا به تعدادی از سوال‌های مشخص پاسخ دهند؛ هدف تحقیق این است که در مورد شرایط و روابط موجود، دیدگاه‌ها، عقاید، نگرش‌ها و باورهای مردم نسبت به یک پرونده یا فرایند مطالعه شود و بدون هیچ‌گونه دخالت و استنتاج ذهنی وضعیت موجود را گزارش کنند (www.Armanshahrjournal.com).

داشت که همواره این مهم در حوزه‌ی پیشگیری با موفقیت همراه نیست و همه‌ی تدابیر پیشگیرانه از جرایم یقه سرخی معطوف به مرتکب نیست، بلکه با توجه به موفقیت راهبردهای ترکیبی در حوزه‌ی پیشگیری از جرم، پیشگیری از جرایم یقه سرخی‌ها با تأکید بر بزه‌دیدگان نیز مهم می‌نماید.

گفتار دوم: پیشگیری بزه‌دیده مدار از ارتکاب جرم قتل توسط یقه سرخ‌ها

ارتکاب قتل عمد توسط بزهکاران یقه سفید در ارتباط با ملاحظات حرفه‌ای خود، معرف میزان خطرناکی این دسته از مجرمان است. بدین‌سان، علاوه بر ارتکاب جرایم یقه سفیدی در پوشش مشروع و کسب اعتبار غیرواقعی، موانع انسانی را در سر راه خویش بر نمی‌تابند و حتی اگر هر یک از نزدیکان وی قصد افشاسازی ماهیت رفتارهای مجرمانه وی را داشته باشند، به قتل می‌رسانند.

مطالعات جرم‌شناختی نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از قتل‌ها مسبوق به رابطه بین مرتکب و بزه‌دیده است که در مقطعی دچار بحران و خصومت می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۶۲۸) در این میان، نقش قربانیان یقه سرخ‌ها نیز از جایگاه مهمی برخوردار است؛ زیرا تفکراتی که بزهکار یقه سفید را به سوی قتل فرد سوق می‌دهد، ناشی از کنش یا واکنش‌هایی است که بزه‌دیده‌ی بالقوه پس از کشف جرایم وی از خود بروز داده است. از منظر بزه‌دیده‌شناسی، اگرچه ایشان بزه‌دیدگان بی‌گناه هستند، اما به‌عنوان انسانی منفعل محسوب نمی‌شوند و رکنی فعال در فرایند قتل هستند، لذا می‌توان با اتخاذ تدابیر و اقدامات پیشگیرانه‌ی بزه‌دیده مدار، صیانت از جان آنها را در مقابل مجرمین یقه سرخ در اولویت قرار داد.

سیاست‌گذاران جنایی تحت تأثیر باورهای بزه‌دیده مدار مداخله بزه‌دیده در نوسان دادن به پاسخ‌ها را امکان‌پذیر دانسته‌اند (نیازپور، ۱۳۹۱: ۳۶۰) افزون بر این، تقویت حقوق بزه‌دیده در پرتو حمایت‌های قانونی و توسعه نظام قضایی با تأکید بر ارتقای نقش بزه‌دیدگان بالقوه یقه سرخ‌ها موجب کارآمدی قانون در منظر شهروندان و انتفای فضای تردید در آنها می‌شود؛ بر این اساس حمایت از بزه‌دیده در قالب آموزش و توانمندسازی وی بررسی می‌شود.

بند اول: آموزش و توانمندسازی قربانیان بالقوه

روشن است که ارتکاب قتل عمد شامل مراحل متعدد و مرتبط است و این فرایند مستلزم تصمیم‌گیری‌هایی است که باید توسط بزهکار یقه سرخ به منصفه‌ی ظهور برسد؛ مصمم شدن بزهکار یقه سفید به حذف فیزیکی فرد مورد نظر، از زمان آگاه شدن قربانی بالقوه از ارتکاب جرایم مرتبط و در چارچوب شغل وی است. لذا آموزش و افزایش آگاهی افرادی که آسیب‌پذیرترند موجب می‌شود، از اقدامات برانگیزنده‌ای که بزهکار یقه سرخ را به سمت جرایم خونین تحریک و ترغیب نماید، پیشگیری شود.



این امر مستلزم آگاهی بخشی افرادی است که در معرض جرایم یقه سرخ‌ها قرار می‌گیرند؛ بر این مبنا لازم است که خطرات و آثار بزه‌دیدگی برای ایشان تبیین شده و آموزش‌های لازم^۱ در راستای عدم تحریک و جلوگیری از برانگیختگی مجرمین یقه سرخ صورت پذیرد.

از این رو، خویشتن‌داری، افزایش سطح خود‌کنترلی، سکوت مقطعی، حفاظت گفتار و عدم ارائه هرگونه واکنش و مجادله در برابر بزهکار می‌تواند، اطمینان بزهکار بالقوه‌ی یقه سرخ را مبنی بر عدم کشف جرایم متقلبانه‌ی خویش امیدوار ساخته و به مرحله طراحی قتل نرسد.

بدین‌سان، نظارت و کنترل نه تنها بر بزهکاران (با هدف کنترل عامل‌های خطر ارتکاب جرم)، بلکه بر بزه‌دیدگان و آماج جرم (عوامل وضعی) از گذر محافظت از آن‌ها اعمال می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۷۳۰) از آنجا که تهدید به افشاسازی یا تقابل با یقه سرخ‌ها ایشان را هوشیار می‌نماید، یادگیری صیانت از جان، از طریق آموزش‌های شغلی، شیوه‌های امن اطلاع‌رسانی و تعامل با مقامات ذی‌صلاح می‌تواند در پیشگیری از جرایم خونین یقه سرخ‌ها مؤثر واقع شود.

بی‌شک، شیوه تعامل بزه‌دیدگان بالقوه با پلیس به‌عنوان نخستین افراد زیرمجموعه‌ی عدالت کیفری می‌تواند بر سرنوشت آنها تأثیر بسزایی داشته باشد؛ بر این‌اساس در اجرای برنامه‌های اطلاع‌رسانی و ارتقا دهنده‌ی آگاهی‌های عمومی شهروندان، می‌توان با برگزاری برنامه‌های آموزشی از طریق رسانه‌های عمومی و شبکه‌های اجتماعی برای جامعه‌ی هدف یا والدین که در برخی مواقع بعد از کشف جرایم اقتصادی و متقلبانه‌ی فرزندانشان و تهدید به افشاسازی نزد مقامات قانونی کشته می‌شوند، آنها را از قتل رهانید.

البته، به‌کارگیری آموزه‌ها در عرصه‌ی عمل به شاخصه‌های متعددی بستگی دارد و شخصیت بزه‌دیدگان می‌تواند منفعلانه بر بزه‌دیدگی آنان اثرگذار باشد (کاستر و کارنل، ۱۳۹۳: ۴۸۳). بنابراین، خود مراقبتی راهی برای بقاء حیات و ایجاد توازن میان واقع‌گرایی نسبت به شرایط موجود در محیط کاری یا زندگی و کنترل بحران پیرامون اتفاق‌های آینده است.

امری که به موجب آن می‌توان بزه‌دیدگان بالقوه جرایم یقه سرخ‌ها را مصداق عینی نجات یافتگانی قلمداد نمود که با آموزش، مقاومت و تدابیر توان‌افزا حیات دوباره می‌یابند و از قتل عمد جان سالم به در می‌برند.

از آن‌جا که علت ارتکاب جرایم اقتصادی در سطح خرد عوامل وضعی فرصت‌ساز است (ابراهیمی و صادق نژاد نایینی، ۱۳۹۲: ۱۷۰) راهبرد مداخله در موقعیت‌های پیش‌جنایی نیز مهم است.

۱. آموزش کارکنان و حتی خانواده‌ها درخصوص موضوعات مربوط به سلامت رفتاری و روانی همکاران و نزدیکان آنها می‌تواند در توانمندسازی بزه‌دیدگان بالقوه و پیشگیری از جرایم یقه سرخ‌ها مؤثر باشد.

بند دوم: تحدید موقعیت‌های پیش‌جنایی یقه سرخ‌ها

روشن است، به‌رغم به کار بستن تدابیر کنشی مرتکب‌مدار در خصوص پیشگیری از قتل توسط یقه سرخ‌ها، همچنان احتمال ارتکاب جنایت توسط آن‌ها و بزه‌دیدگی قربانیان بی‌گناهی که صرفاً به‌دلیل وظیفه‌شناسی، قصد آگاه ساختن مقامات ذیربط را از جرایم متقلبانه آن‌ها دارند، وجود دارد، لذا از منظر منطقی باید در کنار تدابیر روانشناختی و اجتماعی نسبت به پیش‌بینی تدابیر ناظر به کاهش موقعیت‌های مناسب جهت اجرای مقاصد بزهکار یقه سرخ اقدام نمود.

بدیهی است، بزه‌دیده به‌عنوان عامل محرک یا عنصری از اوضاع و احوال مشرف به جرم یا جزئی از وضعیت ماقبل بزهکاری (پیش‌جنایی) محور مطالعات جرم‌شناختی واقع شده است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۴: ۱۱) و از آن به‌عنوان عنصر غیر قابل تفکیک جرم یاد می‌شود.

ارتکاب جرایم مرتبط با فساد اداری- اقتصادی بیشتر به علت موقعیت‌های مشرف بر لحظه ارتکاب جرم، از جمله نبود بزه‌دیده حقیقی، رویت‌ناپذیری، محیط‌های بسته و به‌طور خاص، عدم شفافیت است، تغییر و مدیریت این وضعیت‌ها از طریق پیش‌بینی برنامه‌هایی که در جهت کاهش موقعیت پیش‌جنایی و افزایش خطر ارتکاب برای بزهکار به اجرا در می‌آید، می‌تواند از احتمال ارتکاب جرم پیشگیری نموده و یا از شدت آن بکاهد (ابراهیمی و صفایی آتشگاه، ۱۳۹۴: ۱۴) بدین‌سان، تحدید شرایط مناسب قبل از وقوع جرم مستلزم تفکیک بزه اقتصادی از جرم خشونت‌آمیز است و بدون تردید موفقیت پیشگیری از جرایم یقه سرخ‌ها منوط به پیشگیری از جرایم یقه سفیدهاست؛ آن‌گونه که مرتکب جرایم یقه سفیدی هدف اقدامات کنشگران پیشگیری است و موفقیت آنها در این عرصه از وقوع جرایم بزهکار بالقوه‌ی یقه سرخ نیز جلوگیری می‌نماید. عدم تحدید موقعیت‌های پیش‌جنایی، شرایط مساعدی را برای ارتکاب جرم فراهم می‌نماید که بزهکار بدون احساس وجود مانع یا عامل بازدارنده، فرایند گذار از اندیشه‌ی مجرمانه به ارتکاب جرم را به سرعت می‌پیماید.

بنابراین، پایش بستر فعالیت‌های اقتصادی- مالی، لزوم شفافیت در حوزه سودها و منافع حاصل شده به همراه بازرسی‌های مستمر و دقیق می‌تواند قبل از آن که یکی از افراد همکار بزهکار بالقوه یقه سرخ به جرایم متقلبانه‌ی وی پی‌برده و به‌قصد اطلاع‌رسانی جان خود را در معرض خطر قرار دهد، وی را در شرایط انفعال قرار دهد.

جابجایی شغلی، نظارت رسمی کارکنان بر یکدیگر، به‌کارگیری نیروهای حسابرس مجرب در بازرسی‌های مالی (Vandijk & Deward, 2009: 135) و التزام افراد به مشخص نمودن منابع درآمدهای هنگفت می‌تواند از دیگر شاخصه‌های پیشگیری مرتکب مدار باشد که در کاهش فرصت و نامساعد نمودن شرایط ماقبل جنایی، جهت عقیم شدن تبدیل بزهکار یقه سفید به بزهکار یقه‌سرخ مؤثر واقع شود. روشن است از آنجا که میان مجرمین یقه سفید و یقه سرخ رابطه‌ی مستقیم وجود



دارد^۱، در صورتیکه تمهیدات لازم از طریق مقامات ذیصلاح منجر به کشف جرایم یقه سفید شود با دستگیری و یا تحت نظر قرار گرفتن ایشان عملاً فضایی برای تبدیل آنها به مجرم یقه سرخ باقی نمی‌ماند و از جرایم متعاقب نیز پیشگیری می‌شود.

با این همه تحدید موقعیت‌های پیش‌جنایی و مصون‌سازی بزه‌دیده بدون حمایت‌های قانونی راهگشا نیست؛ در این راستا، سازوکارهای قانونی حمایت از بزه‌دیدگان بررسی می‌شود.

بند سوم: حمایت‌های قانونی از بزه‌دیدگان بالقوه یقه سرخ‌ها

از جمله ارزش‌های حاکم در سیاست جنایی دولت‌ها تحقق عدالت و حمایت از امنیت کسانی است که در این راستا به ایفای وظیفه می‌پردازند.^۲ بدیهی است افرادی که حسب شرایط کاری یا خانوادگی در مجاورت یقه سفیدها یا یقه سرخ‌ها به سر می‌برند، هر لحظه در معرض خطر وقوع جرایم علیه تمامیت جسمانی خویش هستند.

روشن است در سیاست جنایی عادلانه دادگستری به‌طور متوازن از امنیت عمومی جامعه، امنیت حاکمیت، حقوق و آزادی‌های شهروندان دفاع می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۸۹) بنابراین، پیش‌بینی‌ساز و کارهایی که متضمن تأمین امنیت قانونی بزه‌دیدگان بالقوه است از اهمیت بسزایی برخوردار است. تردیدی نیست که وجود قرائن یا اماراتی که بزه‌دیده‌ی بالقوه را به ارتکاب جرایم یقه سفیدی ظنین می‌نماید، می‌تواند مراحل آغازین این فرایند را رقم بزند.

از این روی، فرایند دادرسی‌های کیفری باید به‌گونه‌ای باشد که هراس بزه‌دیده را از تهدیدها و اقدام‌های تلافی‌جویانه به پایین‌ترین سطح برساند و با حمایت از زندگی خصوصی وی در او احساس امنیت ایجاد کند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵: ۱۳۱) بر این اساس، مطلوب است که واضعان سیاست جنایی شرایطی را لحاظ نمایند تا گزارش افراد، نقض اسرار حرفه‌ای محسوب نشود و هویت فرد پنهان بماند، اگر پس از مدتی معین اقدامی از جانب مقامات مسئول صورت نگیرد، اطلاعات علنی شود یا افراد به محض احراز کوچک‌ترین قرائنی مبنی بر وقوع جرایم یقه سفیدی، صرف‌نظر از تکلیف به اثبات در مراجع پلیسی و قضایی از حمایت قانونی برخوردار شوند و راه را برای مفتتری قلمداد نمودن آن‌ها توسط متهمین مسدود نمایند؛ این مهم از یک‌سو می‌تواند با عدم تفحص بیشتر بزه‌دیده‌ی بالقوه که

۱. رابطه‌ی مجرمان یقه سفید و یقه سرخ، عموم و خصوص مطلق است. بدین معنا که هر مجرم یقه سرخی، مجرم یقه سفید نیز هست؛ اما هر مجرم یقه سفیدی، مجرم یقه سرخ نیست.

۲. در کشور فرانسه کسانی که از وقوع جنایت مطلع می‌شوند و یا قبل از وقوع، این امکان برای آنان وجود داشته باشد تا مرتکبان را شناسایی و از وقوع جرم یا تشدید آثار جنایت جلوگیری نمایند، ولی این وظیفه را انجام ندهند و مقامات قضایی یا اداری را مطلع نمایند، به‌عنوان جرم "عدم اعلام جنایت" مورد تعقیب قرار خواهند گرفت (کوشا، ۱۳۸۹: ۲۳).

منجر به در خطر افتادن جان وی است، همراه باشد و از سوی دیگر با انجام تحقیقات نامحسوس توسط مراجع ذیربط، عدم تجدید حیثیت معنوی متهم را در فرض بی‌گناهی در برداشته باشد.

به این ترتیب از آنجا که یقه سفیدها به دنبال شناسایی خلاءهای قانونی و پلیسی هستند تا به اهداف اقتصادی خود برسند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵: ۲۸) پیشگیری از جرایم یقه سرخ‌ها از رهگذر حمایت قانونی از بزه‌دیدگان بالقوه محقق می‌شود. امروزه کشورهای متعددی، برنامه‌های حمایت و حفاظت از گواهان و خانواده‌هایشان و حتی اعطای هویت تازه به آن‌ها را پیش‌بینی نموده‌اند؛ پژوهش‌ها نشان می‌دهند که گواهان چه‌بسا با انگیزه‌ی حمایت و حفاظت از دیگران و خودشان، اطمینان یافتن از آشکارشدن حقیقت و این که بزه‌کار مجازات می‌شود، به اقامه‌ی شهادت می‌پردازند (کیبل، ۱۳۹۳: ۱۴۹۸). در ماده ۳۳ طرح مبارزه با جرایم اقتصادی این مهم مطمح نظر قانون‌گذار قرار گرفته و حمایت‌های لازم را از شهود، مطلعین و گزارش دهندگان لحاظ نموده است.^۱

لذا، تقویت شاخصه‌های حمایتی در حوزه‌ی تقنین می‌تواند راهبردی مؤثر در کاهش جرایم یقه سرخ‌ها باشد.^۲ برای نمونه همان‌گونه که قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران در تبصره‌ی ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی، عدم اعلام به موقع جرم به مقامات ذی‌صلاح را با افتراقی سازی از طریق توسعه جرم‌انگاری ترک فعل،

۱. ماده ۳۳: در پرونده‌های مربوط به جرائم اقتصادی، در صورت درخواست بزه‌دیدگان یا نمایندگان قانونی آنها، شهود، مطلعین، گزارش دهندگان و یا کارشناسان پس از تأیید دادستان مربوط، علاوه بر موارد مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری حمایت‌های لازم از قبیل موارد زیر در خصوص آنها به عمل خواهد آمد:

۱. تدابیر حفاظتی از فرد یا خانواده وی
۲. ارائه تسهیلات لازم برای انتقال محل زندگی وی در داخل یا خارج کشور
۳. هماهنگی لازم جهت انتقال محل کار فرد از سازمان دولتی به سازمان دولتی دیگر در داخل کشور
۴. تغییر نام و نام خانوادگی و دیگر اطلاعات سجلی فرد یا نزدیکان وی
۵. عدم افشای هویت آنها

تبصره ۱- چنانچه اشخاص مذکور درخواست مخفی ماندن هویت خود را داشته باشند، دادستان مربوطه ترتیبی اتخاذ خواهد نمود که به‌جز بازپرس و قضات دادگاه فرد دیگری از هویت آنها مطلع نگردد. در این مورد ممکن است ترتیبات خاصی برای ارائه ادله (مانند استفاده از ویدئو کنفرانس یا حضور باز پرس یا قضات یا نمایندگان آنها در محل) در نظر گرفته شود.

تبصره ۲- چنانچه قاضی دادگاه یا دادستان بدون درخواست اشخاص مذکور لزوم حمایت از آنها را تشخیص دهد، مورد را به ایشان اطلاع داده و با کسب موافقت آنها یک یا چند مورد از حمایت‌های فوق را اعمال خواهد کرد.

۲. ماده ۳۷: چنانچه مجرمیت متهم به یکی از جرائم اقتصادی موضوع صلاحیت سازمان در دادگاه احراز شود، پس از قطعیت حکم، با توجه به شدت جرم ارتكابی و تأثیر همکاری گزارش دهندگان و سازمان‌های کاشف جرم، به دستور رئیس سازمان و در چارچوب آئین‌نامه اجرایی این ماده که ظرف ۱ سال از تاریخ تصویب این قانون، به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید، پاداشی به آنها پرداخت خواهد شد.

مدنظر قرار داده و کیفرگذاری نموده است؛ می‌تواند با امعان‌نظر به اهمیت صیانت از جان انسان‌ها، تحقق ظن متأخّم به یقین^۱ را برای آرامش خاطر مطلعین از حیث آگاه‌سازی مقامات ذی‌صلاح واجد اعتبار بداند.

برآمد

بدون تردید رشد فن‌آوری، قدرت سرمایه‌داران، گسترش سامانه‌های رایانه‌ای و ازدیاد بزهکاران مجازی از یک‌سو و نبود مکانیزم‌های نظارتی مستمر، قوی و دقیق در بستر فعالیت‌های اقتصادی دولتی یا شخصی از سوی دیگر موجب شده است، جرایم یقه سفیدی و بعضاً جرایم یقه سرخ رو به‌فرونی رود. بدین سان، موفقیت راهبرد مؤثر پیشگیری از جرایم یقه سرخ‌ها مستلزم درک صحیح از مفهوم بزهکاری آن‌هاست. یقه سرخ‌ها طیف تکامل یافته‌ی برخی مجرمین یقه سفیدی هستند که ضمن برخورداری از اختلالات روانی در مواجهه با شرایطی که منجر به ناکامی یا محرومیت ایشان از استمرار ثروت‌اندوزی مجرمانه می‌شود، با تصویری که از قدرت و اعتماد به‌نفس کاذب خود دارند، حاضر نیستند به هیچ قیمتی شکست را پذیرا شده و سر تسلیم در مقابل قانون فرود آورند، بلکه تدبیر آن‌ها حذف فیزیکی فرد قانون‌مدار و هم‌نوا با قانون است که نباید سد راه ایشان گردد.

قانون‌گذار در حوزه جرایم اقتصادی با تکیه بر پیشگیری اجتماعی تخصصی (رفتارنامه‌های اخلاقی^۲) و پیشگیری وضعی - فنی - فن‌آورانه به راهبرد پیشگیری اولویت داده است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۳: ۶) تمرکز بر گونه‌های پیشگیری با محوریت بزهکار و بزه‌دیده که متضمن تدابیر لازم جهت اصلاح و درمان بزهکار یقه سرخ بالقوه و یا انصراف وی از ارتکاب جرم است، در بردارنده‌ی مؤلفه‌های راهبرد پیشگیرانه‌ی مرتکب‌مدار و به‌کارگیری اقدامات توان‌افزا یا توان‌گیر و حمایت‌های قانونی از بزه‌دیدگان با محوریت راهبرد پیشگیری بزه‌دیده‌مدار در کاهش یا پیشگیری از جرایم خونین یقه سرخ‌هاست.

در این میان توجه به بهداشت روانی یقه سرخ‌های بالقوه به‌معنای کاستن از وقوع قتل افراد بی‌گناه است؛ چرا که خودشیفتگی و شخصیت ضداجتماعی، تصمیمات آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد

۱. برای مثال، در کانادا، اداره مسئول جمع‌آوری و تجزیه تحلیل اعلام عملیات مشکوک و عملیات مالی بیش از ده هزار دلار، سالانه نزدیک به چهارده میلیون اعلامیه (اظهارنامه) دریافت می‌کند (بچر و کلوز، ۱۳۸۶: ۱۴۳) همچنین ماده ۲۰ طرح مبارزه با جرایم اقتصادی در فصل چهارم "آئین دادرسی اختصاصی جرایم اختصاصی" اشعار میدارد: چنانچه در اتنای بررسی‌های ضابطین دلایل قوی و یقین‌آور مبنی بر جرم اقتصادی حاصل گردد... می‌توانند متهم را برای ۲۴ ساعت تحت‌نظر نگهداری نمایند.

۲. به‌نظر می‌رسد، نظارت مستمر بر اجرای بهینه‌ی این کدها و نهادینه شدن آن در مخاطبان، به‌خصوص در حوزه‌ی مشاغل مربوطه از تدوین آنها مهم‌تر است.

و صرفاً از مهارت‌ها و توانایی‌های خود در جهت فریب، تهدید و تحت نفوذ درآوردن سایرین استفاده می‌کنند. براین‌ابتنا، با توجیه یا انکار وجود بزه‌دیده‌ی جرم و حتی خودبخشی نسبت به بزهکاری پاسخ می‌دهند، لذا قربانی خود را فردی می‌پندارند که مستحق مرگ است و تنفر هیجانی ناشی از ارتکاب قتل را در خود به تعلیق در می‌آورند، موضوعی که اهمیت برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بر حوزه روانی، به‌ویژه کارکنان و فعالان عرصه اقتصادی را با تأکید بر پیشگیری مرتکب‌مدار بیش از پیش نمایان می‌سازد.

همچنان که فراگیری اقدامات تأمینی توسط بزه‌دیدگان بالقوه در قالب آموزش‌های عمومی و تخصصی، تلاش در جهت شفاف‌سازی هرچه بیشتر فرایندهای کاری، تدوین رویه‌ها و قوانین اخلاقی سازمانی^۱، به‌کارگیری احتیاط‌های لازم در مواجهه شدن با یقه‌سرخ‌ها، عدم مقابله مستقیم با آن‌ها متعاقب کشف جرایم ایشان و حمایت‌های قانونی، حیات بزه‌دیدگان بالقوه را تضمین می‌نماید.

ناگفته پیداست که رسالت راهبرد پیشگیری از جرایم یقه‌سرخ‌ها شامل طراحی و برنامه‌ریزی، براساس تدابیری است که بتوان مانع از وقوع قتل عمد در آینده شد. در این میان شاهد دوران میان وقوع جرایم یقه سفیدی با بزه‌دیدگی نظام اقتصادی از یک‌سو و جرایم یقه‌سرخ با بزه‌دیدگی انسان‌ها از سوی دیگر هستیم، بی‌شک مرجح دانستن صیانت از جان در تعارض با حفاظت از ارزش‌های مالی و اقتصادی در زمره بدیهیات عقلی است و می‌طلبد، ساز و کارهای پیشگیرانه ترکیبی به‌نحو مطلوب طراحی و تدوین شود.

۱. مجموعه مقررات و ضوابط رفتاری (کدهای رفتاری) در مقام تعیین رهنمودها و ارزش‌های اخلاقی مورد انتظار ظاهر شده و با تأکید بر فهرستی از بایدها و نبایدها به‌عنوان یک الگوی عام اخلاقی به‌دنبال ایجاد موانع کنترل درونی‌اند؛ کدهای رفتاری در قالب گزاره‌های مثبت خوبی‌ها و بدی‌ها تدوین می‌شوند و به مثابه تلنگری هستند که بر وجدان بزهکار بالقوه وارد می‌شود تا با آگاه ساختن وی از بایدها و نبایدهای اخلاقی و تأکید بر اخلاقیات به وی در تصمیم‌گیری میان خوب و بد کمک کند و او را از ارتکاب جرم منصرف گرداند (منفرد و جلالی، ۱۳۹۱: ۱۱۲) استمرار رویه‌های عملی پیشگیرانه نیز ممکن است توجه قانون‌گذار را به خود جلب نماید و به خودی خود به‌تدریج در قالب قانون ضابطه‌مند شود. مانند قانون ارتقاء سلامت اداری در مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴: ۱۰)

منابع

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۶)، **جرم‌شناسی پیشگیری**، چ چهارم، تهران: نشر میزان.
- ابراهیمی، شهرام و صفایی آتشگاه، حامد (۱۳۹۴)، «رویکرد قانونگذار به پیشگیری از جرم در قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد»، **فصلنامه پژوهش‌نامه حقوق کیفری**، شماره ۱۲، ص ۳۲-۷.
- ابراهیمی، شهرام و صادق‌نژاد نایینی، مجید (۱۳۹۲)، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی»، **فصلنامه پژوهش‌های حقوق کیفری**، سال دوم، شماره ۵، ص ۱۷۴-۱۴۷.
- بَچَر، ژان لوک و کلوز، نیکلا (۱۳۸۶)، «جرم‌اقتصادی و کنترل آن»، ترجمه: شهرام ابراهیمی، **فصلنامه حقوقی دادگستری**، شماره ۶۱، ص ۱۴۸-۱۳۱.
- دارابی، شهرداد (در دست چاپ)، **بزهکاران یقه سرخ، دایره‌المعارف علوم جنایی**، زیر نظر استاد علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد چهارم، چ اول، تهران: نشر میزان.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵)، «بزه دیدگان؛ حقوق و حمایت‌های بایسته»، **فصلنامه پژوهش‌های حقوق عمومی**، شماره ۱۹، ص ۱۳۸-۱۱۷.
- رضوانی، سودابه (۱۳۹۱)، **مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم**، چ اول، تهران: نشر میزان.
- سالی‌اس. سیمپسون (۱۳۹۵)، **جرایم شرکتی، قانون و کنترل اجتماعی** ترجمه: حمیدرضا دانش‌ناری، چ اول، تهران: نشر میزان.
- کاری یو، روبر (۱۳۸۱)، «مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۳۶ و ۳۵، ص ۳۰۴-۲۶۷.
- کاستر، دی‌استی و کرنل، رینا (۱۳۹۳)، «نظریه‌های اولیه‌ی بزه‌دیدگی»، ترجمه امیرحسن نیازپور، در: **دانشنامه بزه‌دیدگی‌شناسی و پیشگیری از جرم**، چ اول، ج اول، تهران: نشر میزان.
- کوشا، جعفر (بی‌تا)، **جرایم علیه عدالت قضایی**، چ دوم، تهران: نشر میزان.
- کییل، مارک (۱۳۹۳)، «برنامه‌های کمک به گواهان»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، در: **دانشنامه بزه‌دیدگی‌شناسی و پیشگیری از جرم**، چ اول، ج اول، تهران: نشر میزان.
- میرخلیلی، سیدمحمود و حسانی، جلال‌الدین (۱۳۹۶)، **جرایم یقه سرخ‌ها در: نیازپور، امیرحسن (به کوشش)، دانشنامه‌ی علوم جنایی اقتصادی**، تهران: نشر میزان.
- منفرد، محبوبه و جلالی‌فراهانی، امیرحسین (۱۳۹۱)، «کدهای رفتاری و پیشگیری از بزهکاری»، **پژوهش‌نامه حقوق کیفری**، سال سوم، شماره ۲، ص ۱۳۴-۱۰۵.

نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۴)، «پیشگیری از فساد اداری - مالی در پرتو آیین نامه پیشگیری و مقابله نظام مند و پایدار با مفساد اقتصادی در قوه مجریه ۱۳۹۲»، فصلنامه راهبرد، شماره ۷۶، ص ۷۸-۶۱

نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۱)، «نقش بزه دیده در چگونگی پاسخ دهی به بزه کاران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۵۷، ص ۳۸۴-۳۴۷.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۵)، «آیین دادرسی کیفری: جدال قدرت - امنیت و حقوق - آزادی های فردی، در: آیین دادرسی کیفری؛ بنیان ها، چالش ها و راهکارها»، مجموعه مقالات همایش آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات معاونت فرهنگی، اجتماعی و دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۵)، دانشنامه جرم شناسی، چ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۵)، «تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی، فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۶، ص ۱۹-۱۵.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۴)، از جرم یقه سفیدی تا جرم اقتصادی، دیپاچه در: سمپسون و دیگران، جرایم یقه سفیدی؛ رویکردی فرصت مدار، ترجمه: اسماعیل رحیمی نژاد، چ اول، تهران: نشر دادگستر.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۵)، «پیشگیری عادلانه از جرم در: علوم جنایی»، مجموعه مقالات در: تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، چ چهارم، انتشارات سمت.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸)، «کیفرشناسی نو- جرم شناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریت خطرمدار»، در: تازه های علوم جنایی، چ اول، نشر میزان.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲)، «درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت ها و چالش ها»، در: بایسته های پژوهش در نظام عدالت کیفری، چ اول، تهران: انتشارات میزان.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۴)، «به سوی تعریف یک سیاست ملی پیشگیری از بزه کاری»، دیپاچه در: دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد، نشر میزان.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۳)، درباره دانشنامه بزه دیده شناسی و پیشگیری از جرم، دیپاچه در: فیشر، بونی و لب، استیون، دانشنامه بزه دیده شناسی و پیشگیری از جرم، مترجمان:

اساتید حقوق کیفری سراسر کشور، تهران: چ اول، نشر میزان.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴)، «عدالت برای بزه دیدگان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۳ و ۵۲، ص ۷۴-۸.



نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی اختصاصی (قتل، سرقت و قاچاق مواد مخدر)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیم سال دوم سال تحصیلی ۷۹-۷۸، قابل

دسترسی در Lawtest.ir

- Bucy, H. Pamela, Formby, P.Elizabeth, Raspanti,S. Marc & Rooney, E. Kathryn (2008),Why Do They it? The Motives,Moves & Character Of White Collar Criminals, **St. John's Law Review**, Issue 2,Vol 82,No 2,401-571.
- Miller, J Martinez, M,Reidy, D, (2008), **Narcissism & Aggression: effects of positive, Negative & delayed feedback, personality & Individual Differences**. Praeger Publishers.
- Karlsson, Mikael, (2014), **What is Criminology? Understanding Crime & Criminals**, Cambridge university Press.
- Perri,S.Frank, (2016), Red Collar Crime ,**International Journal Of Psychology Studies**,Vol 8, No 1, 61-84.
- Perri, S frank, Brody, G.Richard & Paperny, M. Justin, (2014), Debunking The Myth Of The Out Character Offence , **Journal Of Forensic & Investigative Accounting**,Vol 6,No 2,1-51.
- Ray,. James, (2007), **Psychopathy, Attitudinal Beliefs & White Collar Crime**, University Of South Florida Press.
- Van Dijk, Jan J .M & Deward, Jap, (2009), Forty Years of Crime Prevention in The Dutch Polder in **Crime prevention Policies Comparative Respective**, edited by Adam Crawford.
- Wood Worth, Michael, Porter, Stephan (2002), In cold Blood: Characteristics Of Criminal Homicides As a Function Of Psychopathy, **Journal Of Abnormal Psychology**, Vol11, No 3,436-445.

پایگاه اینترنتی

WWW.Cyberpolice.ir
WWW.MurderPedia.Org
WWW.Armanshahrjournal.com
WWW.Pink Collar Crime.Com
www.Psychiatry.org